

رابطه معلم و دانش آموز

سلامت روانی در مفهوم دقیق کلمه به معنای احساس رضایت و شادابی و نشاط و تعادل روانی، درک درست از واقعیتها و ارائه پاسخ سازگارانه و مؤثر در برخورد با آنها، تعامل سالم دنیای درونی فرد با دنیای پیرامون است.

بیاموخت آدم ز پروردگار / کلام و سخنهاى بس استوار

که گردید باعث که یکتا خدا / پذیرد از او توبه را از خطا

خدای رحیمست و توبه پذیر / بسی مهربان است آن بی نظیر

● در مورد مفهوم سلامت روانی، نگرش عموم روانشناسان آن است که ملامت روانی یکی از جنبه های سلامت عمومی یعنی برخورداری از رفاه کامل جسمی و روانی و اجتماعی و معنوی است. سلامت روانی در مفهوم دقیق کلمه به معنای احساس رضایت و شادابی و نشاط و تعادل روانی، درک درست از واقعیتها و ارائه پاسخ سازگارانه و مؤثر در برخورد با آنها، تعامل سالم دنیای درونی فرد با دنیای پیرامون است.

● وجود ویژگیهای اضطرابی در دانش آموزان، متأثر از سبک رفتاری خانواده است. به این معنا که خانواده های آشفته، مستبد، غیرمنسجم و بی تفاوت، موجبات بروز روحيات اضطرابی را در فرزندان خود فراهم می کنند. ویژگی پرخاشگری در میان

بودن خانواده است.

● وجود خصوصیات افسردگی در میان دانش آموزان نیز متأثر از سبک رفتاری خانواده است و به ترتیب خانواده های آشفته، غیرپاسخگو، نامنسجم، بی تفاوت و... باعث افسردگی در فرزندان می شوند. نگرش اجتماعی در میان دانش آموزان به ترتیب ناشی از سبکهای رفتاری بی تفاوتی، آشفتگی غیر پاسخگویی و استبدادی در خانواده است.

● نگرش مثبت دانش آموزان به روابط انسانی در مدرسه بیش از همه در افرادی دیده می شود که خانواده های منسجم، صمیمی و پاسخگو دارند. خانواده هایی که آشفته، بی تفاوت و مستبد هستند، فرزندان دارند که منفی ترین نگرش را نسبت به روابط انسانی در مدرسه ابراز می کنند.

● آن دسته از دانش آموزان که به ترتیب دچار اضطراب، افسردگی، نگرش ضد اجتماعی، پرخاشگری و روحیه خلافتکاری هستند، منفی ترین نگرش را نسبت به روابط انسانی در مدرسه از خود نشان می دهند.

● سبک رفتاری خانواده هم در وضعیت روانی دانش آموزان و هم در نگرش آنان به چگونگی روابط انسانی در مدرسه تأثیر می گذارد. روشنترین پیشنهادی که می توان بر اساس یافته های پژوهشی ارائه کرد، این است که نهادهای مختلف اجتماعی،

درون خانواده و سبکهای رفتاری و شیوه های فرزند پروری به عمل آورند.

پرستید ای مردمان آن خدا/ که پیشینیان آفرید و شما

بود آنکه گردید پرهیزگار/ بیاید راهی به پروردگار

خدایی که افراشت نیلی سپهر/ زمین را بگسترده اینان ز مهر

● "تورنس" در چند تحقیق که در موضوع تاثیر نوع رابطه معلمان و شاگردانشان در

خلاقیت داشت، نتیجه گرفت که نگرش معلم، عامل تعیین کننده ای در فزونی گرفتن

خلاقیت دانش آموزان به شمار می رود، نتایج تحقیقات انجام شده، بیانگر آن است که

معلمان خلاق، شاگردان خلاقتری پرورش می دهند. همچنین معلمانی که از شخصیتی

گرم، صمیمی و پذیرنده برخوردارند، امکان افزایش خلاقیت را فراهم می آورند.

● بر اساس تحقیقات انجام شده معلمان گروه آزمایش موانع خلاقیت در کلاس را به

این صورت برشمردند:

(۱) حجم زیاد کتب درسی

(۲) مقایسه دانش آموزان با یکدیگر

(۳) آموزش کلیشه ای توسط معلمان

۵) مزاحم تلقی شدن دانش آموزان خلاق

معلمان کلاس و معلمان راهنما معتقد بودند استفاده از روشهای خلاق تدریس توسط معلمان کلاس، یادگیری دانش آموزان را به سبب رغبت بیشتر آنان به کلاس، افزایش داده است و در مقایسه با سالهای قبل، جوی کاملاً متفاوت از گذشته در کلاس ایجاد نموده است. تأثیرات عمیق این دوره بر معلمان و روی دانش آموزان نیز کاملاً مشهود است.

● بر اساس یافته های پژوهشی و با توجه به نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آماری، دوره آموزش خلاقیت تأثیر مثبتی در افزایش دانش، تغییر نگرش و افزایش مهارتهای تدریس معلمان داشته است. علاوه بر این، بیش از ۹۰ درصد معلمان اعتقاد داشتند این دوره نه تنها بر دانش، نگرش و مهارت آنها تأثیر گذاشته، بلکه آنها را نسبت به زندگی عوض کرده و باعث تحولاتی در زندگی و کار آنها شده است.

● تأثیرات عمیق این دوره بر معلمان، به نوبه خود بر روی دانش آموزان آنها نیز کاملاً مشهود بود. معلمان اظهار می داشتند که از آن پس دانش آموزان با انگیزه بسیار بالایی در کلاس و فعالیتهای کلاس شرکت می کردند، چنانکه ترجیح می دادند حتی ساعات تفریح را نیز در کلاس بمانند و به فعالیت خود ادامه دهند.

نقش رابطه معلم و دانش آموز در ایجاد انگیزه :

بین معلمان این درس و دانش آموزان است. متأسفانه این امر باعث به وجود آمدن تفکرات و دیدگاه های منفی در اذهان دانش آموزان و والدین آنها نسبت به درس ریاضی شده است. و ادامه این روند یعنی ناسازگاری در ارتباط مؤثر منجر به بی - علاقتی و حتی تنفر و انزجار بسیاری از افراد نسبت به درس ریاضی شده است. اولین هدف یک معلم ریاضی در جو حاکم بر این درس، باید برقرار کردن رابطه ی مطلوب دوستانه و حمایت کننده با دانش آموزان باشد. چنین هدفی فقط با تعامل میان معلم و دانش آموز حاصل می آید. چند روز اول مدرسه و اولین دیدارهای دانش آموزان با معلم از این نظر بسیار مهم است. بنا بر این به آن توجه خاص داشت. معلمان تازه کار به طور معمول از معلمان قدیمی تر می شنوند که تا هنگامی که دانش آموزان به او احترام نگذاشته اند در برابر آنها نخندد. زیرا ایشان بر این باورند که دانش آموزان برای احترام گذاشتن به معلم باید از وی بترسند. اما نظریه پردازان انگیزش می گویند که به دانش آموزان نشان دهید که به آنها علاقه دارید و می توانند به شما اعتماد کنند و در صورت نیاز برای هر کمکی به شما رجوع نمایند.

معلمان بر خلاف خلبانها و معمارها یا جراحها، آموزش فشرده ای در مهارتهای حرفه شان ندیده اند. به نوعی از آنان انتظار می رود که وقتی وارد کلاس می شوند در مورد مسائل پیچیده روابط بشری تجربه و مهارت داشته باشند. از معلمها خواسته می شود که در جریان فعالیت روزانه شان:

(۲) مشوق خود مختاری باشند و عزت نفس را تقویت کنند .

(۳) از شدت اضطراب (anxiety) بکاهند و ترس را از بین ببرند .

(۴) یأس و نومیدی (frustration) را کم کنند.

(۵) سبب کاهش تعارضها و کشمکشها (conflict) شوند و خشم را فرو بنشانند .

یکی از معلمها می گفت : « من از قبل می دانم که دانش آموز به چه چیزی نیاز دارد .

من نیاز او را حس می کنم . او نیاز دارد قبولش داشته باشند . به او احترام بگذارند ،

دوستش داشته باشند . به او اعتماد کنند ، او نیاز دارد که تشویقش کنند ، پشتیبانی

اش کنند ، او را به فعالیت وا دارند و موجبات تفریح و خوشی اش را فراهم آورند تا

بتوانند به کاوش و آزمایش بپردازند . و به نتایج موفقیت آمیزی برسد ، عجب حکایتی

است ! او این همه نیاز دارد . و من تنها چیزی کم دارم ، عقل و دانایی سلیمان است و

بینش و فراست ابن سینا و علم و دانش خیام و ایثار و از خود گذشتگی فلو رانس

نایتینگل»

روابط معلم و دانش آموز

معلم‌ها، مانند خلبان‌ها، معمارها، یا اطباء آموزش فشرده‌ای در حرفه‌شان دیده‌اند. بنابراین از آنان انتظار می‌رود وقتی که وارد کلاس می‌شوند در مورد مسائل پیچیده روابط بشری تجربه و مهارت داشته باشند.

• سازگاری در ارتباط بین معلم و دانش آموزان چگونه ایجاد می‌شود؟

سازگاری در ارتباط می‌تواند تعلیم و تربیت را تغییر دهد. این سازگاری نه تنها بر رفتاری‌های تدریس اثر می‌کند، بلکه یادگیری را عمیقا تحت تاثیر قرار می‌دهد. کاری که در بسیاری از مدارس ما شکل گرفته است و تمام نیروی آن در اختیار کودکان قرار گرفته و شخصیت آنها را غنی و زندگی‌شان را عزت و اجر می‌بخشد.

معلم‌ها، مانند خلبان‌ها، معمارها، یا اطباء آموزش فشرده‌ای در حرفه‌شان دیده‌اند. بنابراین از آنان انتظار می‌رود وقتی که وارد کلاس می‌شوند در مورد مسائل پیچیده روابط بشری تجربه و مهارت داشته باشند. از معلم‌ها خواسته می‌شود که در جریان فعالیت روزانه‌شان:

- انگیزه یادگیری ایجاد کنند، مشوق خودمختاری باشند
- عزت نفس را تقویت کنند، اعتماد به نفس پدید آورند

▪ از شدت اضطراب بکاهند، ترس را از بین ببرند و یاس را کم کنند

و آگاه دارد نسبت به معنا و مفهوم واژه‌ها حساسیت نشان می‌دهد. او می‌داند موضوع درسی که دانش‌آموز یاد می‌گیرد اغلب به سبک کار معلم بستگی دارد. او از احساسات آگاه است و گفتار مناسبی دارد که از طریق آن درک و تفاهم را به دانش‌آموز انتقال می‌دهد. او نسبت به ارتباطی که دانش‌آموز را خراب می‌کند آلرژی دارد. او از سرزنش و شرمسار کردن دانش‌آموز پرهیز می‌کند و از اهانت و تشر زدن به او نفرت دارد. گفتار او خالی از هرگونه مکالمه مخرب و بیان غلط و اشتباه است.

سازگاری در ارتباط، نوعی موفقیت است و مستلزم یادگیری و تمرین و انضباط شخصی است. این امر متضمن تمرین بسیار است. این ادعا که در یک رابطه خوب، آدم می‌تواند هرچه دلش خواست بگوید بدون اینکه زیانی به کسی برسد، ادعایی تسلی‌بخش است، اما غلط است. به این باور می‌ماند که آدم وقتی سلامت و تندرست است می‌تواند هرچیزی را ببلعد بدون اینکه زیان ببیند حتی سم را.

• رهیافتی موثر در تکالیف خانه

بیشتر وقت معلم‌ها، صرف این می‌شود که تکلیف بدهند و تکلیف نگاه کنند. بسیاری از کمدها و تراژدی‌های کلاس ریشه در همین تکالیف دارد. دانش‌آموز یاد می‌گیرد

راه مدرسه دفتر تکالیفش را گم کند، یا آن را در خانه جا بگذارد.

در یکی از مدارس، روندهای موثری برای حل مشکلات مربوط به تکالیف خانه دانش آموز ایجاد شد که در این مقاله ذکر می‌گردد: دانش‌آموزی که در انجام یا آوردن تکالیف خانه اش کوتاهی می‌کند، بایستی رسماً یادداشتی بنویسد و در آن قید کند که چه کاری انجام نشده است و چه وقت انجام خواهد شد. به هیچ وجه، پرسیده نمی‌شود چرا؟

این‌گونه فرض می‌شود که دانش‌آموز دلایل خودش را داشته است.

او را در منگنه قرار نمی‌دهند تا بهانه‌های قابل قبول و دروغ‌های عقل‌پذیر اختراع کند. نامه او را ضمیمه پرونده اش می‌کنند و وقتی تکالیف انجام شد، نامه را به دانش‌آموز پس می‌دهند. بنابراین، هر دانش‌آموز، مسئول پرونده خویش است. مدرک تلاش یا کم‌کاری، دستخط خود اوست. به دانش‌آموز انگیزش و فرصت داده می‌شود تا پیشینه اش را بهبود بخشد.

والدین اغلب اطلاع ندارند که در مورد تکالیف خانه دانش‌آموز چه کمکی می‌توانند به او کنند؟ آنان وقتی یادداشت نامطلوبی از معلم به دستشان می‌رسد مقداری ناراحت می‌شوند و ممکن است که دانش‌آموز را تنبیه نمایند که روش اشتباهی است. لازم

اولیاء انجام شود.

وقتی والدین با علاقه شدید درگیر تکالیف خانه و نمرات فرزندانشان می شوند، دانش آموز ممکن است سر به تمرد بگذارد و تنبل ترین دانش آموز کلاس بشود. والدین باید به دانش آموزان یاد بدهند که در خانواده هرکس مسئولیت خاصی را به عهده دارد و موظف است که آن کار را به نحو احسن انجام دهد و انجام دادن تکالیف خانه هم مسئولیتی است که متوجه خود دانش آموز است و باید آن را به نحو شایسته ای انجام دهد.

نقش معلم در رشد و تکامل دانش آموزان

معلمین در تکامل حس کوشش دانش آموزان از طریق واگذاری مسئولیت اداره کلاس، انگیزش فعالیت های جمعی، با شناخت و به کارگیری زمینه های ذوقی دیگر می توانند مؤثر باشند. هم چنین معلم می تواند حس اعتماد به نفس، استقلال و جود، قریحه و ابتکار دانش آموزان خود را تقویت کرده و یا با تشویق خود، این زمینه ها را پربارتر کند. به علاوه معلم می تواند از نظر اخلاق، رفتار، صداقت و سایر صفات مطلوب انسانی برای دانش آموزان الگویی مناسب شده و اثر جود و اخلاقی خود را در ذهن کودک گاهی تا سنین بالای زندگی استوار کند.

نزدیک و مکرر با والدین دانش آموز را داشته باشد و به صورت یک ارتباط متقابل، معلم مطالبی را درباره رفتار و خصوصیات خلقی کودک از اولیاء و آنها نکاتی را در زمینه مسائل آموزشی وی از معلم کسب کرده و در جهت رفع مشکلات او همفکری نمایند. چنین هماهنگی در سنین و جهات مختلف رشد و تکامل دانش آموز، مثل رعایت نظم و انضباط، رقابت سالم با خواهر یا برادر، آموزش مسائل بهداشتی و بلوغ جنسی و رفتاری وی می تواند کارساز باشد.